

عوامل وحدت و اختلاف در گفتار و سیره امام علی علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی عبدالله زاده*

اشاره

دین اسلام در مباحث اجتماعی و سیاسی بر وحدت و هم‌افزایی میان مسلمانان و دوری از اختلاف تأکید دارد. وحدت و همگرایی از موضوعاتی است که بیش از گذشته، امت اسلام به آن نیازمند است و جزو ضروری‌ترین نیاز جامعه مسلمانان در مقابل کفار و دشمنان اسلام به شمار می‌رود. موفقیت مسلمانان در جوامع امروزی که استکبار جهانی با تمام توان، جهان اسلام و برخی کشورهای اسلامی را نشانه گرفته، در گرو توجه به همبستگی و وحدت اسلامی است. آموزه‌های اسلامی بر آن است تا تفرق امت اسلامی را از بین ببرند. مطالعه در آیات، روایات و سیره اهل بیت علیهم‌السلام، و حکومت علوی و سیاست‌های آن حضرت در مقاطع مختلف، به خوبی نشان می‌دهد که وحدت و هم‌افزایی از مهمترین برنامه الهی بوده است. دشمنان در طول تاریخ اسلام با ایجاد تفرقه و اختلاف سعی کردند این وحدت مسلمانان را تحت شعاع قرار دهند تا راحت‌تر به استعمار مسلمانان پردازند. امروزه هم مشاهده می‌شود شبکه‌هایی در کشورهای غربی علیه شیعه و اهل سنت فعالیت دارند و سعی دارند آتش فتنه و تفرقه را بین مسلمانان شعله‌ور کنند تا به راحتی به مطامع نامشروع خود دست یابند. امیر مؤمنان علیه‌السلام خود را شیفته و حریص‌ترین انسان نسبت به وحدت مسلمانان دانسته و یکی از علل بیست و پنج سال سکوت خود در برابر خلفا را در حالی که خار در چشم و استخوان در گلویش بود، حفظ وحدت اسلامی یاد نمود. نگاه امام علیه‌السلام به موضوع وحدت، نگاهی راهبردی و سرشار از عشق و علاقه است. از آنجایی که امیر مومنان علی علیه‌السلام به عنوان معلم وحدت و طلایه‌دار هم‌افزایی و هم‌گرایی امت اسلامی است و از طرف دیگر این اختلاف بین امت اسلامی بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

* دانشجوی دکتری و پژوهشگر گروه امت و تمدن پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام.

در زمان امام علی علیه السلام رخ داده است و راهکار هایی را امام علی علیه السلام برای وحدت و همزایی امت اسلامی از حیث گفتار و عمل ارائه دادند، لذا بر آن شدیم تا عوامل و زمینه های وحدت و اختلاف را از نگاه امام علی علیه السلام بررسی کنیم.

الف. اهمیت وحدت در گفتار امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام درباره نعمت وحدت و الفت می فرماید:

فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ اِمْتَنَّ عَلَى جَمَاعَةٍ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ
الَّتِي [يَتَقَلَّبُونَ] يَتَقَلَّبُونَ فِي ظِلِّهَا وَيَأْوُونَ إِلَى كَنَفِهَا بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمُخْلُوقِينَ
لَهَا قِيَمَةً لِأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ وَأَجَلُّ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ؛^۱

خداوند پاک بر این امت با پیوند الفتی که میان آنان برقرار کرد تا در سایه اش زندگی کنند و در حمایتش مأوی گیرند، به نعمتی منت نهاد که ارزش آن را احدی از آفریدگان نمی داند، زیرا بهای الفت با یکدیگر از هر بهایی بالاتر، و از هر عظمتی عظیم تر است. امام در جای دیگر می فرماید: «فَاعْلَمُ أَحْرَصَ النَّاسِ [عَلَى جَمَاعَةِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ص وَالْفَيْتِهَا مِنِّي أَبْتَغِي بِذَلِكَ حُسْنَ الثَّوَابِ وَكَرَمَ الْمَأَبِ؛^۲ آگاه باش، احدی به وحدت و الفت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از من حریص تر نیست، من در این کار پاداش نیکو و عاقبت شایسته ای را خواهانم».

امام علی علیه السلام از اختلاف رأی و نظر نهی می کند و می فرماید: «وَالِإِهْتِمُّ وَاحِدٌ وَنَبِيِّهِمْ وَاحِدٌ وَكِتَابُهُمْ وَاحِدٌ فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ [اتِّعَالِي] سُبْحَانَهُ بِالْاِخْتِلَافِ فَاطَاعُوهُ أَمْ نَهَاؤُهُ عَنْهُ فَعَصَوْهُ؛^۳ در حالی که خدا و پیامبر و کتابشان یکی است. آیا خداوند آنان را به اختلاف دستور داده و آنان اطاعتش کرده اند؟ یا از اختلاف نهی کرده و آنها عصیان کردند».

آیت الله جوادی آملی می فرماید:

سخن آن حضرت علیه السلام به خوبی نشان می دهد که هدف و اعتقادات مشترک «إِلَهُمُّ وَاحِدٌ» و رهبری واحد «نَبِيِّهِمْ وَاحِدٌ» و برنامه و خط مشی مشترک «وَكِتَابُهُمْ وَاحِدٌ» وحدت آفرین است. بنابراین، مسلمانان باید از این عوامل وحدت زا به خوبی پاسداری

۱. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۲۹۸.

۲. همان، ص ۴۶۶.

۳. همان، ص ۶۰ و ۶۱.

کنند تا به وحدت جوامع اسلامی آسیبی وارد نشود.^۱

آیت الله جوادی می‌فرماید:

حضرت علی علیه السلام گاهی با زبان تحبیب و تطمیع جامعه اسلامی را به اتحاد و هم‌آوایی فرا می‌خواند و زمانی با لسان تحدید و تهدید امت اسلامی را از تفرقه بر حذر می‌دارد. گاهی خیر جامعه را در ظلّ وحدت معرفی می‌نماید و زمانی خطر آن را در اثر شکاف و خلاف اعلام می‌دارد و می‌فرماید: «وَالزُّمُو السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذُّبِّ»^۲؛ چون دست غیبی پروردگار منزّه از دست با متحذیان است، باید سواد اعظم و امت منسجم و هماهنگ اسلامی را حفظ نمود، و چون گوسفند وامانده از رمه از حفاظت چوپان محروم است و طعمه گرگ می‌شود، لازم است از صفوف به هم فشرده مسلمین فاصله نگرفت تا از آسیب و سوسه شیطان در امان بود. هیچ فرد خردمند یا گروه متفکر، از خیر منصرف نمی‌شود و به شرّ رو نمی‌آورد؛ مگر آن‌که در تشخیص خیر و شرّ، دچار اشتباه شده باشد. حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام برای هدایت به معیار خیر و شرّ، اتحاد و هم‌دلی را مدار خیر دانسته، اختلاف و کینه‌ورزی را محور شرّ معرفی نمود و در این باره چنین فرمود: «فَيَاكُمْ وَالتَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ»^۳؛ از این سخن بلند، نه تنها سودمندی اتحاد و زیانباری اختلاف استفاده می‌شود، بلکه استمرار سنت الهی در گذشته، حال و آینده نیز معلوم خواهد شد، زیرا اساس فیض الهی بر وحدت و جماعت پی‌ریزی شده و هیچ‌گونه خیری در تفرقه و کثرت‌گرایی نامعقول نخواهد بود.^۴ امیر مؤمنان علیه السلام نه تنها از تفرقه افکندن ناخشنود بود؛ «كَرِهْتُ أَنْ أُفَرِّقَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ»^۵ و نیز از تفرقه نهی می‌کرد، بلکه به مبارزه با تفرقه افکنان و کشتن آنان

۱. عبدالله جوادی آملی، شمیم ولایت، ص ۶۲۰.

۲. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۱۸۴.

۳. همان، ص ۲۵۵.

۴. عبدالله جوادی آملی، شمیم ولایت، ص ۶۸۰ و ۶۸۱.

۵. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، ص ۵۰۷.

فرمان می‌داد، هر چند که خود را زیر عمامه آن حضرت مخفی کرده باشند.^۱

ب) محورهای وحدت از نگاه امام علی علیه السلام

با مطالعه و رجوع به کلمات امام علی علیه السلام مشخص می‌شود چند مسئله در جایگاه مؤلفه‌ها و محور وحدت بیان شده است که عبارت‌اند از:

۱. اصل توحید

بر اساس جهان‌بینی اسلامی، جهان بر اساس توحید و وحدت است. ایمان به خداوند موجب می‌شود قلب‌های مؤمنان به هم مهربان و همسو شود، به گونه‌ای که گویا همه آنان روح واحد دارند. در قرآن از اصل توحید در جایگاه عامل مهم وحدت همه ادیان یاد شده است؛^۲ همچنین خداوند توحید را عامل وحدت (امت واحده) بیان می‌کند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون».^۳ امام علی علیه السلام نیز از اصل توحید و خدای واحد در جایگاه محوری‌ترین عامل وحدت یاد می‌کند؛ آن عده از عالمانی که در فتوا اختلاف دارند را نکوهش می‌کند و می‌فرماید: «وَإِلَهُهُمْ وَاحِدٌ وَنَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ وَكِتَابُهُمْ وَاحِدٌ»؛ در حالی که خدا و پیامبر و کتاب‌شان یکی است.

مؤمنان معدود و یک ایمان یکی جسم‌شان معدود ولیکن جان یکی
جان گرگان و سگان از هم جداست متحد جان‌های شیران خداست

۲. قرآن

قرآن، یکی از محورهای مهم وحدت اسلامی است. با وجود اینکه برخی از مسلمانان در تفسیر برخی از آیات اختلاف نظر و برداشت‌های متفاوت دارند، اصل وجود قرآن در جایگاه کتاب واحد، مقبول همگان و عامل مهم همبستگی آنان است؛ از این‌رو هرگاه قرآن و معارف بلند آن از سوی دشمنان تهدید شود، همه مسلمانان با جان و مال از آن دفاع و پاسداری می‌کنند. از سوی دیگر قرآن همه مسلمانان را به همگرایی فرا خوانده است که این دعوت نقش بنیادی در وحدت‌گرایی دارد. امام علی علیه السلام در نامه ۶۹ نهج البلاغه خطاب به حارث همدانی می‌فرماید:

۱. عبدالله جوادی آملی، شمیم ولایت، ص ۶۸۳.

۲. آل عمران: ۶۳.

۳. انبیا: ۹۲.

۴. آل عمران: ۱۰۳.

«وَتَمَسَّكَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ اسْتَنْصَحَهُ وَأَجَلَ حَلَالَهُ وَحَرَّمَ حَرَامَهُ؛^۱ به ریسمان قرآن چنگ زن و از آن طلب پند کن؛ حلالش را حلال و حرامش را حرام شمار». در جای دیگر امام علیه السلام می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ وَالنُّورُ الْمُبِينُ وَالشِّفَاءُ النَّافِعُ وَالرِّزْقُ النَّاقِعُ؛ بر شما باد به کتاب خدا که ریسمانی محکم و نوری آشکار و دارویی سودمند و سیراب کننده ای فرونشاندنده عطش است».

اقبال لاهوری می گوید:

از یک آیینی مسلمانان زنده است بیکر ملت ز قرآن زنده است
ما همه خاک و دل آگاه اوست اعتصامش کن که حبل الله اوست
چون گهر دو رشته او سفته شو ورنه مانند غبار آشفته شو^۲

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

وجود مقدس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، یکی دیگر از محورهای وحدت امت اسلامی است؛ زیرا تمام مسلمانان او را قبول دارند؛ از این رو گفتار، رفتار و وجود مقس حضرت وحدت آفرین است. امیرمؤمنان علیه السلام در موارد بسیاری به این مسئله اشاره کرده است: «فَانظُرُوا إِلَيَّ مَوَاقِعِ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طَاعَتَهُمْ وَجَمَعَ عَلَى دَعْوَتِهِ الْفِتْنَةَ؛^۳ حال به نعمت های بزرگی بنگرید که خداوند هنگام بعثت پیامبر اسلام به آنان ارزانی داشت که اطاعت آنان را با آیین خود پیوند داد و با دعوتش آنها را متحد کرد». در جایی دیگر می فرماید: «پیامبر صلی الله علیه و آله برای انجام فرمان خدا قیام کرد و رسالت های پروردگارش را ابلاغ کرد و خداوند به وسیله او شکاف های اجتماعی را پر کرد و فاصله ها را پیوستگی بخشید و بین خویشاوندان یگانگی برقرار کرد، پس از آنکه آتش دشمنی در سینه ها و کینه های برافروخته در دل ها جایگزین شده بود».^۴ رسول الله صلی الله علیه و آله از عوامل وحدت است؛ در روزگاری که «در آن روزگار (زمان بعثت نبی) اهل زمین مللی پراکنده، دارای خواسته هایی متفاوت و روش هایی مختلف بودند».^۵ امام علی علیه السلام در مقابل اهل

۱. عبد الحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱، ص ۴۵۹.

۲. احمد احمدی بیرجندی، شعر در زندگی، ص ۲۱۲.

۳. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغة، ص ۲۹۸.

۴. همان، ص ۳۵۳.

۵. همان، ص ۴۴.

شام به به این امر اشاره می‌کند: «آغاز برنامه ما این بود که با شامیان روبرو شدیم؛ ظاهر امر این بود که پروردگاران و پیامبران و دعوت‌مان به اسلام یکی بود».^۱

اقبال لاهوری می‌گوید:

دل به محبوب حجازی بسته‌ایم	زین جهت با یکدیگر پیوسته‌ایم
عشق او سرمایه جمعیت است	همچون خون اندر عروق ملت است
عشق در جان و نسب در پیکر است	رشته عشق از نسب محکم‌تر است
عشق‌ورزی، از نسب باید گذشت	هم ز ایران و عرب باید گذشت
امت او مثل او نور حق است	هستی ما از وجودش مشتق است ^۲

۴. امامت

یکی از محورهای وحدت در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام، امامت و ولایت است. آیت‌الله مصباح می‌نویسد: «در زمان امام معصوم علیه السلام، خود ایشان محور وحدت در جامعه اسلامی است؛ چنان‌که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه تصریح فرمودند: "والامامة لَمَّا من الفرقة؛^۳ خداوند امامت را برای جلوگیری از تفرقه واجب ساخت". ولایت و امامت همواره نقشی وحدت‌بخش در جامعه ایفا کند و زداینده اختلاف‌ها باشد؛ از این رو اگر این محور آسیب ببیند، خواه‌ناخواه جامعه به اختلاف و پراکندگی درمی‌افتد و در این صورت، عزت و قدرت و سعادت باقی نخواهد ماند».^۴

در بیانات علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه، به این نکته اشاره شده است که اگر مردم از مقام واحدی اطاعت نکنند، مبتلا به پراکندگی و اختلاف می‌شوند و سعادت دنیا و آخرت‌شان به خطر می‌افتد. امامت و مطاع بودن ابزاری است که خدای متعال برای حفظ وحدت جامعه اسلامی تشریح فرموده است.^۵ آیت‌الله جوادی آملی فرمودند:

امیرمؤمنان علیه السلام فرزند برومندش حضرت مهدی علیه السلام را امام وحدت‌آفرین معرفی نموده

۱. همان، ص ۴۴۸.

۲. مجله تقریب، از انتشارات مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ش ۵، ص ۱۴۵.

۳. محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸.

۴. محمدتقی مصباح یزدی، حکیمانه‌ترین حکومت: کاوشی در نظریه ولایت فقیه، ص ۳۹۱.

۵. محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، ص ۳۴۱.

عوامل وحدت و اختلاف در گفتار و سیره امام علی علیه السلام ■ ۱۰۳

است؛ آنجا که فرمود: «أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاحٍ مُنِيرٍ وَيُخْذُو فِيهَا عَلَيَّ مِثَالَ الصَّالِحِينَ لِيُحَلَّ فِيهَا رِبْقًا وَيَعْتَقَ فِيهَا رِقًا وَيُصَدِّعَ شَعْبًا وَيَشَعَّبَ صَدْعًا؛^۱ یعنی بدانید آن کس از ما [مهدی عجل الله فرجه] که آن فتنه‌ها را دریابد، با چراغی روشن‌گر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش صالحان رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید و بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد و جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده کند و حق‌جویان پراکنده را گرد هم آورد.^۲

گفتنی است در عصر غیبت، ولایت فقیه موجب وحدت امت اسلامی می‌شود؛ زیرا ولایت فقیه ادامه ولایت امام زمان عجل الله فرجه است. داده‌های تاریخ انقلاب و دفاع مقدس نشان داد امام و مقام معظم رهبری مانند نخ تسبیحی بین امت اسلامی گره زده‌اند؛ از این‌رو رهبر جامعه از نگاه امام علی عجل الله فرجه مثل نخ تسبیحی است که تمام دانه‌ها را جمع می‌کند و موجب وحدت جامعه است: «وَمَا كَانَ الْقِيَمُ بِالْأَمْرِ مَكَانَ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيُضْمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدِّافِيرِهِ أَبَدًا؛^۳ مرتبه زمامدار در این محور، مرتبه رشته‌ای است که مهره‌ها را جمع می‌کند و به هم ارتباط می‌دهد؛ اگر رشته بگسلد، مهره‌ها پراکنده می‌شوند و هر یک به جایی می‌رود. پس از آن هرگز همه آنها جمع نشود».

آیت‌الله مصباح می‌فرماید:

در عصر غیبت، این وحدت در ولی فقیه متجلی می‌شود...؛ پس اگر کسی واقعاً خواستار وحدت امت اسلامی است و نمی‌خواهد آن از هم بپاشد، باید حول محور ولی فقیه حرکت کند و او را ملاک قرار دهد. درحقیقت ولی فقیه حافظ وحدت و محوری است که همه باید دور او گرد آیند؛ چنان‌که اگر از حول او پراکنده شوند، امانی برای وحدت امت اسلامی باقی نمی‌ماند. بنابراین دشمن بر آن است تا به هر طریق ممکن، این نقطه وحدت بخش را تضعیف کند تا بتواند امت اسلامی را تحت استعمار خود قرار دهد.^۴

ایشان در جای دیگر می‌نویسد: «دشمن همواره در تلاش بود تا با اشاعه اندیشه‌های فرقه‌گرایانه و

۱. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۲۰۸.

۲. عبدالله جوادی آملی، شمیم ولایت، ص ۶۶۰ - ۶۶۱.

۳. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۲۳۰.

۴. محمدتقی مصباح یزدی، حکیمانه‌ترین حکومت: کاوشی در نظریه ولایت فقیه، ص ۳۹۱.

نژادپرستانه، میان گروه‌های مختلف جامعه شکاف اندازد؛ اما وجود رهبر آگاه و مدبر مانع تحقق آمال و ایده‌های او شد»^۱.

۵. اهل بیت علیهم‌السلام

محبت به اهل بیت علیهم‌السلام از ضرورت‌های دین است^۲ که در قرآن نیز به آن تاکید شده است.^۳ اهل سنت هم به اهل بیت علیهم‌السلام محبت دارند و محبت اهل بیت علیهم‌السلام یکی از نقاط مشترک بین شیعه و اهل سنت است که سبب هم‌افزایی بین آنها می‌شود. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «نَاصِرُنَا وَمُحِبِّبُنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ وَعَدُوَّنَا وَمُبْغِضُنَا يَنْتَظِرُ السَّطْوَةَ؛ یار و عاشق ما منتظر رحمت و دشمن و کینه‌توز ما در انتظار عقوبت است». امام علی علیه‌السلام در خطبه‌های متعدد به مسلمانان سفارش می‌کند پیرو اهل بیت علیهم‌السلام باشند:

انظروا أهل بيوت نبيكم فالزموا سمتهم وأتبعوا أثرهم فلن يخرجكم من هدى ولن يعيدوكم في ردى فإن لبسوا فالبسوا وإن نهضوا فانهضوا ولا تسبقوهم فتضلوا ولا تتأخروا عنهم فتهلكوا؛

به اهل بیت پیامبران نظر کنید و ملتزم جهت الهی آنان باشید، راه و روش آنها را پیروی نمایید که آنان شما را از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به گمراهی باز نمی‌گردانند. اگر از چیزی باز ایستادند، شما هم باز ایستید و اگر به جهتی حرکت کردند، شما هم حرکت نمایید. از آنان پیشی مجوید که گمراه می‌گردید و عقب نمانید که به هلاکت می‌رسید.

۶. دین اسلام

دین اسلام، یکی از محورهای وحدت است. تمام مذاهب اسلامی خودشان را پیرو دین اسلام می‌دانند و اسلام همه را گرد خویش جمع کرده است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «أَمَّا دِينٌ

۱. همان، ص ۴۱۱.

۲. «فإن ولاية أهل البيت و محبتهم كانت من ضروريات الدين، و إنما الخلاف كان في إمامتهم» (محمدباقر مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۷، ص ۱۲۱).

۳. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳).

۴. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغة، ص ۱۴۳.

عوامل وحدت و اختلاف در گفتار و سیره امام علی علیه السلام ■ ۱۰۵

يَجْمَعُكُمْ؛^۱ آیا دینی نیست که شما را متحد کند؟» در جای دیگر می فرماید: «وَإِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ؛^۲ همانا شما برادران دینی هستید». همچنین ایشان از اختلاف رأی و نظر نهی می کند و می فرماید: «وَاللَّهُمُّ وَاحِدٌ وَنَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ وَكِتَابُهُمْ وَاحِدٌ؛^۳ خدا و پیامبر و کتابشان یکی است».

۷. رعایت حقوق متقابل حکومت و مردم

آیت الله جوادی آملی می فرماید:

یک عنصر کلیدی ای که مایه حفظ وحدت جامعه اسلامی است، رعایت حقوق متقابل حکومت و مردم است. امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه ای می فرماید: «وَأَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَحَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ فَجَعَلَهَا نِظَامًا لِأَلْفَتِهِمْ... فَإِذَا أَدَّتْ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَآدَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا... وَطَمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ... وَإِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَالْيَهَا أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِي بَرَعِيَّتِهِ اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ؛^۴ یعنی بزرگ ترین حقی که خداوند واجب ساخته است، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم است... این فریضه را نظام اُلفت و پیوستگی آنان قرار داد... پس، آن گاه که مردم حق حکومت را ادا کنند و حکومت نیز حق مردم را بدهد... می توان به بقای دولت امیدوار بود... اما آن گاه که مردم بر حاکم خود چیره گردند یا حاکم بر مردم اجحاف کند، نظام برهم می خورد».^۵

ج. عوامل اختلاف از نگاه امام علی علیه السلام

عوامل متعددی از نگاه امام علی علیه السلام موجب اختلاف و پراکندگی است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. همان، ص ۸۲ - ۲۵۹.

۲. همان، ص ۱۶۸.

۳. همان، ص ۶۰ - ۶۱.

۴. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۳۳۳؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۵۳.

۵. عبدالله جوادی آملی، شمیم ولایت، ص ۶۶۱.

۱. شیطان

یکی از عوامل اختلاف در کلام امام علی علیه السلام شیطان معرفی شده است چنانچه حضرت علی علیه السلام درباره تفرقه اندازی شیطان می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسَنِّي لَكُمْ طُرُقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحْلَ دَيْتَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَالْفُرْقَةَ الْفِتْنَةَ؛^۱ شیطان راه‌های خویش را برای شما آسان جلوه می‌دهد و قصد دارد پیمان دین شما را گره بگشاید و به جای جمعیت و هماهنگی تفرقه اعطا کند و با تفرقه به شما فتنه بدهد؛ در چنین حالی باید به نصیحت خیرخواهان گوش داد و آن را به جان پذیرفت.

۲. خُبثِ سریره و زشتی باطن

امیرالمؤمنین علیه السلام عامل دیگر اختلاف و سبب تشّت و پراکندگی را خُبثِ سریره و زشتی باطن دانسته، در این باره چنین می‌فرماید: «وَإِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَي دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ وَسُوءُ الضَّمَائِرِ»^۲؛ همانا شما برادران دینی هستید و چیزی جز خبثات درونی و بدی باطن بین شما جدایی نیانداخته است.

۳. رای و حکم بدون استناد به قرآن و سنت

امام علی علیه السلام شماری از عالمان را به سبب اختلاف رأی در احکام قطعی اسلام نکوهش می‌کند، آنها را به مبانی اتحاد و انسجام اسلامی توجه می‌دهد و می‌فرماید:

تَرَدُّ عَلَي أَحَدِهِمُ الْقَضِيَّةُ فِي حُكْمٍ مِنَ الْأَحْكَامِ فَيَحْكُمُ فِيهَا بِرَأْيِهِ ثُمَّ تَرَدُّ تِلْكَ الْقَضِيَّةُ بَعَيْنِهَا عَلَي غَيْرِهِ فَيَحْكُمُ فِيهَا بِخِلَافِ قَوْلِهِ ثُمَّ يَجْتَمِعُ الْقَضَاءُ بِدَلِكِ عِنْدَ الْإِمَامِ الَّذِي اسْتَقْضَاهُمْ فَيَصُوبُ آرَاءُهُمْ جَمِيعاً وَإِلَهُمْ وَاحِدٌ وَتَبِيئُهُمْ وَاحِدٌ وَكِتَابُهُمْ وَاحِدٌ؛^۳

دعوایی در مورد یکی از احکام اجتماعی نزد عالمی می‌برند؛ وی با رأی خود حکمی صادر می‌کند؛ همان دعوا را نزد دیگری می‌برند که او درست برخلاف رأی اولی حکم می‌دهد؛ سپس همه قضات نزد رئیس خود که آنها را به قضاوت منصوب کرده است گرد هم می‌آیند؛ او رأی همگی را برحق می‌شمارد. در صورتی که خدایشان یکی، پیامبرشان یکی و کتابشان یکی است.

۱. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغة، ص ۱۷۸.

۲. همان، ص ۱۶۸.

۳. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغة، ص ۶۰.

کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، چ اول، قم: مکتبه آية الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳. جوادی آملی، عبدالله، شمیم ولایت، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۴. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، چ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۵. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ ق.
۶. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، چ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۳ ش.
۷. _____، حکیمانه ترین حکومت: کاوشی در نظریه ولایت فقیه، چ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۴ ش.
۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، چ هشتم، قم: صدرا، ۱۳۷۲ ش.
۹. مفید، محمد بن محمد، الأمالی، چ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.